



## سازمان ملل از اقدام عبدالله عبدالله برای معرفی والیان تازه، ابراز نگرانی کرد

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) از اقدامات اخیر تیم انتخاباتی «ثبات و همگرایی» به رهبری عبدالله عبدالله مبنی بر معرفی والیان جدید برای شماری از ولایات ابراز نگرانی کرده است. در اعلامیه‌ی یوناما هرچند از فرد و تیم مشخص نام برده نشده، اما گفته شده است که در مورد گزارش‌های منتشرشده درباره‌ی «جابه‌جایی» مقام‌ها در ولایت‌ها با استفاده از زور، نگران است.

در این اعلامیه که دیروز (شنبه، ۳ حوت) منتشر شده، آمده است در حالی که تلاش‌ها برای تحقق کاهش خشونت جریان دارد، توسل به زور یا هر وسیله‌ی غیرقانونی، امید مردم به صلح را آسیب می‌زند. در این اعلامیه از تمامی طرف‌ها خواسته شده است که به فیصله‌ی نهادهای قانونی احترام گذاشته و از طریق گفت‌وگو به تنش‌ها و جنجال‌های جاری پایان دهند. این در حالی است که به دنبال اعلام نتایج نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری، عبدالله عبدالله، رقیب اصلی اشرف غنی با آن مخالفت کرد و نتایج اعلام‌شده را «تقلبی» و «کودتای انتخاباتی» خواند. او پیشتر از تشکیل یک دولت همه‌شمول به رهبری تیم «ثبات و همگرایی» نیز خبر داده بود.

در اولین اقدام آقای عبدالله، محمدنور رحمانی، رئیس شورای ولایتی سرپل دیروز از سوی تیم ثبات و همگرایی به‌حیث والی جدید سرپل معرفی شده است. رحمانی از افراد نزدیک به جنرال دوستم است. جنرال دوستم پیش از اعلام نتایج نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری، به اعلام حکومت موازی به رهبری عبدالله عبدالله هشدار داده بود. امید می‌شود، معاون سخنگوی ریاست اجراییه گفته است که عنایت خان حبیبی، از افراد نزدیک به محمد محقق از سوی عبدالله به‌حیث معاون مالی و اداری والی سرپل تعیین شده است. به گفته‌ی آقای میثم، ثبات و همگرایی به‌زودی برای شماری از ولایات دیگر نیز والی معرفی خواهد کرد.

## ۴۸۶ شهروند افغان در سال مالی ۱۳۹۸ در خواست ترک تابعیت کرده‌اند

وزارت عدلیه‌ی کشور اعلام کرد که در جریان سال مالی ۱۳۹۸ خورشیدی، ۴۸۶ شهروند افغان درخواست ترک تابعیت کرده‌اند. در مورد دلیل ترک تابعیت این افراد چیزی گفته نشده، اما پیش از این وزارت عدلیه فقر، بیکاری و ناامنی را از دلایل ترک تابعیت شهروندان کشور خوانده بود. عبدالصیر انور، وزیر عدلیه که دیروز (شنبه، ۳ حوت) در برنامه‌ی «حساب‌دهی دولت به ملت» صحبت می‌کرد، گفت که این افراد خواستار دریافت تابعیت کشورهای ایران، اتریش، هلند، روسیه، آذربایجان، جاپان و اندونزی بودند که درخواست ترک تابعیت‌شان به این وزارت مواصلت کرده است. آقای انور همچنان گفت که در جریان سال گذشته‌ی مالی ۱۲ شهروند خارجی نیز خواستار دریافت تابعیت افغانستان شده‌اند. به گفته‌ی او، این افراد شهروندان ایران، مراکش، مصر، انگلستان، ازبکستان و پاکستان هستند. وزیر عدلیه تأکید کرده است که در حال حاضر کار روی پرونده‌ی این افراد جریان دارد. آقای انور که در مورد کارکردهای یک سال گذشته‌ی وزارت عدلیه توضیح می‌داد، گفت که این وزارت در جریان سال مالی گذشته ۹۵ سند تقنینی را طی مراحل و به کمیته قوانین، کابینه و شورای ملی فرستاده است. او همچنان علاوه کرد که وزارت عدلیه در یک سال گذشته از حقوق ۴ هزار و ۱۴۳ فرد متهم بی‌بضاعت (هفت هزار و ۳۳۲ مرد، ۴۰۳ زن و ۷۹۴ کودک) در مراجع عدلی و قضایی در کابل و ولایات دفاع کرده است. وزیر عدلیه گفت که از این شمار افراد بی‌بضاعت، یک هزار و ۳۵۲ نفر برائت گرفته و در مدت حبس ۸۰۵ نفر دیگر تخفیف آمده است.

## ویروس کرونا در حال گسترش در خارج از چین است

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، تعداد افراد مبتلا به ویروس کرونا در کره جنوبی به شدت افزایش یافته است. کره جنوبی پس از چین، دومین کشور از نظر تعداد افراد مبتلا به ویروس کرونا است. مقام‌های این کشور گفته‌اند تعداد مبتلایان با جهش چشم‌گیری به ۳۵۰ نفر رسیده است که دو برابر رقم اعلام شده پیشین است. دو سوم مبتلایان جدید مربوط به بیمارستانی در نزدیکی شهر دنگو هستند که بیماران روانی و بیماران مسن در آن‌جا بستری هستند. دو نفر از بیماران این بیمارستان جان خود را از دست داده‌اند و پنج پرستار و یک بهیار هم به ویروس آلوده شده‌اند.

در ایتالیا نیز یک نفر به دلیل ابتلا به این ویروس جان خود را از دست داده است. ایران روز گذشته تأیید کرد که تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در آن کشور به ۱۸ نفر رسیده و ۴ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند. دبیرکل سازمان جهانی بهداشت مرگ چهار نفر ظرف ۴۸ ساعت در ایران را بسیار نگران‌کننده خوانده است. با شیوع ویروس کرونا در ایران و مرگ چند نفر، عراق و کویت پروازهای خود را به ایران متوقف کرده‌اند. ترکیه هم اعلام کرده که از روز یکشنبه هر ایرانی که «کارت سلامت» نداشته باشد اجازه ورود به ترکیه را نخواهد یافت. لبنان نیز اعلام کرده یک زن که از قم در ایران به این کشور برگشته، علائم این ویروس را دارد. دبیرکل سازمان جهانی بهداشت هشدار داده است «پنجره فرصت برای مهار ویروس هنوز باز است اما فرصت‌ها کمتر می‌شود و نیاز است که به سرعت و قبل از بسته شدن همه دریچه‌ها اقدام شود». او هشدار داد که این بیماری ممکن است به همه جا گسترش پیدا کند.

# هیاهوی بنیادبرانداز؛ انتخاباتی که از فرصت به تهدید مبدل شد



صفحه ۲

## کاهش خشونت‌ها؛ آیا زمینه برای مذاکرات بین الافغانی فراهم خواهد شد؟



صفحه ۱۲

## دین و استفاده‌ی سودمخوران



صفحه ۳

## نگرانی از تکرار یک تجربه‌ی ناکام؛ چرا پروسه‌ی صلح ترسناک شده است؟



صفحه ۱

## میلر: حملات نیروهای امریکایی و افغانی در برابر طالبان به صفر رسیده است

دارند که می‌خواهند فضا را مختل سازند، در منطقه نیز این حلقه‌ها وجود دارند؛ اما ما از پروسه به‌گونه‌ی درست نظارت می‌کنیم. این در حالی است، که در اولین ساعات بامداد روز گذشته (شنبه، ۳ حوت) جنگ‌جویان طالبان از سه استقامت بر پاسگاه‌های امنیتی در ولسوالی «زاری» ولایت بلخ حمله کردند. در این حمله دو سرباز ارتش کشته و سه سرباز دیگر زخمی شدند. در این مورد طالبان گفته است، که آنان تنها به اجرای عملیات نیروهای دولتی در ساحات تحت حاکمیت این گروه پاسخ داده‌اند.

دوره‌ی هفت روزه کاهش خشونت‌ها از ساعت ۱۲ جمعه‌شب رسماً آغاز شده است. امریکا و طالبان اعلام کرده‌اند در صورتی که جریان کاهش خشونت‌ها با موفقیت همراه باشد، توافق‌نامه‌ی صلح میان دو طرف در دهم حوت امضا خواهد شد و پس از آن مذاکرات بین‌افغانی آغاز می‌شود.

مان و از نیروهای دولتی افغانستان هستیم. اسکات میلر در این بار گفت: «باور دارم، که راهکارهای خوبی داریم که بدانیم در سوی ما چه می‌گذرد. این یک تلاش مشترک است و ما کاملن راحت هستیم که بدانیم سطح خشونت‌ها تا کدام حد بوده‌اند.»

در همین حال مسعود اندرابی، سرپرست وزارت داخله گفته است، که به نیروهای امنیتی و دفاعی هدایات لازم داده شده و سوق اداره‌ی مشترک وزارت‌های دفاع و داخله و مأموریت حمایت قاطع در افغانستان ایجاد شده است. آقای اندرابی تأکید کرده، که این سوق اداره وضعیت و رویدادهایی را که اتفاق می‌افتد، از نزدیک ارزیابی می‌کند. به گفته‌ی او، نیروهای امنیتی در حالت آماده‌باش قرار دارند و به آنان هدایت داده شده است تا در صورت هر گونه تخطی، از خود دفاع کنند.

اسدالله خالد سرپرست وزارت دفاع نیز گفت: «از این بابت نگرانی داریم که حلقه‌هایی در افغانستان وجود

همزمان با آغاز هفته‌ی کاهش خشونت‌ها، جنرال اسکات میلر، فرماندهی عمومی نیروهای ناتو در افغانستان گفته است، که طالبان باید به تعهدشان برای کاهش خشونت‌ها عمل کنند.

جنرال اسکات میلر دیروز (شنبه، ۳ حوت) در یک نشست مطبوعاتی مشترک با اسدالله خالد، سرپرست وزارت دفاع افغانستان و مسعود اندرابی، سرپرست وزارت داخله‌ی افغانستان، در کابل گفت که کوشش‌ها صورت گرفته تا خشونت‌ها در آخرین حد ممکن کاهش یابند.

آقای میلر از طالبان خواست که به طرح کاهش خشونت‌ها پایبند بمانند؛ اما اگر کاهش خشونت‌ها از جانب طالبان نقض شود، نیروهای امریکایی در کنار نیروهای افغان در برابر تحرک‌های طالبان خواهند ایستاد. وی گفت: «تمامی عملیات‌های مان اکنون به حالت دفاعی برگشته‌اند. ما عملیات‌های تهاجمی مان را متوقف کرده‌ایم؛ اما هنوز هم متعهد به دفاع از نیروهای



کپ مردم

## نگرانی از تکرار یک تجربه‌ی ناکام؛ چرا پروسه‌ی صلح ترسناک شده است؟

گزینه‌ی «کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها» از ساعت دوازده‌ی جمعه‌شب (۳ حمل) از سوی طالبان آغاز شده و قرار است برای هفت‌روز ادامه یابد. مایک پمپئو، وزیر خارجه‌ی امریکا گفته است، پس از ختم این مرحله از پروسه‌ی صلح، روز شنبه‌ی هفته‌ی آینده (۱۰ حوت) توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان امضا خواهد شد. رهبری حکومت از اجرایی‌شدن گزینه‌ی کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها استقبال کرده و گفته است، نیروهای ارتش افغانستان در این مدت در حالت آماده‌باش کامل قرار خواهند داشت.

این در حالی است، که دو روز پیش، نامه‌ی منسوب به سراج‌الدین حقانی، فرمانده‌ی عملیاتی شبکه‌ی حقانی و معاون گروه طالبان در روزنامه‌ی نیویورک تایمز نشر شد. این نامه حاوی مطالب عجیب و قابل توجه در مورد خواست‌های طالبان است. مرور این نامه بسیاری از واقعیت‌های جنگ و پروسه‌ی جاری صلح را بازگو می‌کند. مخاطب این نامه دولت امریکا است، که در طول نزدیک به نوزده‌سال با همکاری کشورهای عضو پیمان ناتو، در برابر گروه طالبان در افغانستان جنگیده‌اند. فرمانده‌ی عملیاتی شبکه‌ی حقانی و معاون گروه طالبان، با روشن کردن این مسئله که هرگاه امریکا و دیگر کشورهای هم‌پیمان افغانستان را ترک کنند، گروه طالبان به هیچ‌گروه و سازمان دیگر اجازه‌ی استفاده از خاک افغانستان بر علیه امریکا و هم‌پیمانانش را نمی‌دهد، از آغاز رابطه‌ی با حسن نیت و فصل تازه با جهان سخن می‌گوید. محتوا و جزئیات این نامه از جهات مختلف با جریان فعلی گفت‌وگوهای صلح و امضای قریب‌الوقوع موافقت‌نامه‌ی صلح در ارتباط است و نشانه‌های را از خواست‌ها و اهداف طالبان پس از امضای توافق‌نامه و آینده‌ی افغانستان به‌دست می‌دهد.

با این اوصاف، طالبان بلندپروازانه مسیر صلح را گام‌به‌گام طی می‌کنند. این گروه با اجرای مذاکرات صلح با امریکا، برای‌شان مشروعیت کسب کردند و از انزوای جهانی بیرون آمدند. مضاف بر این، جنگ‌جویان این گروه در میدان جنگ ابتکار عمل را در دست داشته و هیأت مذاکره‌کننده‌ی شان در سطح دیپلماتیک خواست‌های گروه‌ی شان را به‌کرسی نشانده‌اند. یکی از این خواست‌ها گزینه‌ی کاهش خشونت‌ها به‌جای آتش‌بس بود، که با وصف مخالفت جانب افغانستان با آن، در نهایت امر اجرایی شد.

در جانب دیگر، پاکستان به عنوان یکی از بازیگران اصلی جنگ و صلح افغانستان در چهار دهه‌ی اخیر و حامی اصلی گروه طالبان هرچند از این وضعیت خرسند و راضی به نظر می‌رسد، اما تاهنوز از آینده‌ی توافق‌نامه‌ی صلح تضمینی مبنی بر عدم دخالت در امور افغانستان به مردم این سرزمین، امریکا و جامعه‌ی جهانی نداده است. تعهد پاکستان در پیوند به پروسه‌ی صلح بیشتر لفظی بوده و گفته است، که افغانستان را در راه رسیدن به صلح کمک می‌کند. آنچه در این میان وضاحت ندارد، رابطه‌ی پاکستان با گروه طالبان است. این وضاحت و دادن تضمین در نظرات از اجرای گام به گام پروسه‌ی صلح، می‌تواند از تکرار تجربه‌ی تلخ و عبرت‌انگیزی جلوگیری کند، که در جریان دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی پس از امضای توافق‌نامه‌ی صلح ژنیو برای افغانستان اتفاق افتاد. از چشم‌انداختن این مسأله، برای آینده‌ی پروسه‌ی صلح خطرناک است. هرگاه تضمینی مبنی بر عملی‌شدن مواد توافق‌نامه وجود نداشته باشد و رابطه‌ی طالبان با کشوری که سال‌ها حامی مالی و تسلیحاتی‌اش بوده وضاحت پیدا نکند، بدون شک پروسه‌ی صلح به ختم جنگ در افغانستان کمک نخواهد کرد. مراد از یادآوری موارد بالا این است، که جریان مذاکرات فعلی صلح، نامه‌ی سراج‌الدین حقانی و اجرایی‌شدن گزینه‌ی کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها از سوی طالبان، به‌نوعی در هماهنگی با مواضع حال و گذشته‌ی پاکستان نسبت به افغانستان دیده می‌شود. مسأله‌ای که نباید تا این‌جا در جریان مذاکرات صلح از نظر انداخته می‌شد.

در این سو، فضای افغانستان تیره و تاریک است. انتخابات ریاست‌جمهوری به وضعیت ختم شده، که کشور را به خلا قسمی قدرت دچار کرده است. قشر سیاسی پراکنده‌اند. حکومت متزلزل به‌نظر می‌رسد. ولایات چندپارچه است و مردم مأیوس و ناامید. در چنین یک وضعیت، هرگاه طالبان در هم‌سویی با پاکستان گام‌های بعدی مذاکرات صلح را پیش ببرند، افغانستان نه‌تنها به‌سوی صلح و ثبات به پیش نخواهد رفت، بلکه پراکندگی در این سرزمین بیشتر از پیش خواهد شد و منازعه‌ی دیرپای این سرزمین، جدی‌تر از گذشته ادامه خواهد یافت. واقعیت این است، که پروسه‌ی صلح ترسناک شده است، مردم افغانستان از تداوم جنگ کم‌تر هراس دارند و از ادامه‌ی پروسه‌ی صلح به شکل فعلی بیشتر.

# هیاهوی بنیادبرانداز؛ انتخاباتی که از فرصت به تهدید مبدل شد

اسحق‌علی احساس



این در حالی است، که یکی از مهم‌ترین گام‌های عملی پروسه‌ی صلح افغانستان در حال عملی شدن است. از ساعت دوازده‌ی جمعه‌شب (۳ حوت)، گزینه‌ی «کاهش چشم‌گیر خشونت» از سوی طالبان به اجرا گذاشته شده است. هرگاه در جریان هفت‌روز (زمان مورد توافق برای کاهش چشم‌گیر خشونت میان گروه طالبان و امریکا) اتفاق غیرقابل پیش‌بینی رخ ندهد، شنبه‌ی هفته‌ی آینده (۱۰ حوت) توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان امضا می‌شود. با این وصف، پراکندگی سیاسی کنونی، برای آینده‌ی صلح و ثبات و حتا یک‌پارچگی افغانستان کشنده و فلج‌کننده است. این پراکندگی سیاسی در بدترین زمان ممکن اتفاق افتاده است.

چشم‌گیر خشونت» از سوی طالبان به اجرا گذاشته شده است. هرگاه در جریان هفت‌روز (زمان مورد توافق برای کاهش چشم‌گیر خشونت میان گروه طالبان و امریکا) اتفاق غیرقابل پیش‌بینی رخ ندهد، شنبه‌ی هفته‌ی آینده (۱۰ حوت) توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان امضا می‌شود. با این وصف، پراکندگی سیاسی کنونی، برای آینده‌ی صلح و ثبات و حتا یک‌پارچگی افغانستان کشنده و فلج‌کننده است. این پراکندگی سیاسی در بدترین زمان ممکن اتفاق افتاده است.

منافع افغانستان ایجاب می‌کند، که در روزوشب‌های تاریخی کنونی قشرسیاسی، مردم، احزاب و جریان‌های سیاسی کشور بیشتر از هر زمان دیگر یک‌پارچه و هم‌سو می‌بودند، تا در جریان مذاکرات بین‌الافغانی در برابر طالبان موضع روشن و مشترک می‌داشتند و از ارزش‌ها و دست‌آوردهای اخیر به‌خوبی دفاع می‌کردند. اما جریان رویدادهای پس از اعلام دمووقع نتیجه‌ی انتخابات نشان داد، که طرف‌های دخیل در سیاست افغانستان، مردم و قشر سیاسی نه‌تنها با همدیگر هم‌سوی ندارند، بلکه به‌صورت وحشتناکی پراکنده هستند. عامل اصلی این پراکندگی مدیران نهادهای انتخاباتی و رهبری حکومت است.

نهادهای انتخاباتی به‌عنوان تنها برگزارکنندگان پروسه‌های انتخابی در افغانستان، با رفتار و عملکرد غیرمسئولانه‌ی شان تیر خلاص را به باور و اعتماد مردم نسبت به انتخابات و دموکراسی زدند. حکومت هرباری که فرصت دخالت در امور انتخابات را به‌دست آورد، با اعمال فشار بر مدیران نهادهای انتخاباتی، تطمیع و تهدید آنان و با نفوذ بر بخش‌های عملیاتی این پروسه، در سمت‌وسو دهی انتخابات به‌نفع دسته‌ی دولت‌ساز به‌رهبری محمد اشرف غنی تلاش‌های بسیار کردند. نهادهای ناظر نیز از جریان این پروسه نظارت مستمر و همه‌جانبه نکردند، این‌گونه بود، که پروسه‌ی انتخابات به‌چنین سرنوشتی گرفتار شد.

واقعیت این است، که با انکار وضعیت موجود، منافع ملی و ارزش‌های مردم‌سالارانه و آینده‌ی این سرزمین حفظ نمی‌شود. انکار، وضعیت را بدتر از این می‌کند. اگر مردم و قشر سیاسی واقع می‌خواهند در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز کنونی آینده‌ی کشور متحد و با ثبات به‌نام افغانستان را حفظ کنند، در کنار محاکمه‌کردن عاملان وضعیت کنونی، انسجام‌شان را باز یابند و با اتحاد و همدلی، ابتکار عمل را در گفت‌وگوهای صلح به دست گیرند. در غیر این صورت، آینده‌ی کشور تیره و تاریک به‌نظر می‌رسد.

می‌گویند، محمد اشرف غنی مطابق قانون و در نتیجه‌ی یک فرایند مشروع برنده‌ی انتخابات شده است.

این جنگ‌و‌دندان نشان‌دادن‌ها کار را به‌جایی کشانده است، که حکومت‌های محلی در ولایات و ولسوالی‌های کشور، با نصب و یا پایین‌کردن عکس‌های عبدالله و غنی، سند شکل‌گیری دو حکومت در یک قلمرو را عملن امضا کرده‌اند. تصویرهای نشرشده از ولایات کشور نشان می‌دهد، که در تعدادی از ادارات محلی عکس‌های عبدالله عبدالله به‌عنوان رئیس‌جمهور نصب شده و در تعداد دیگر عکس‌های محمد اشرف غنی. مردم نیز خون‌گرم و احساساتی به‌نظر می‌رسند. در چند روز گذشته، بسیاری از شهرهای کشور شاهد حضور صدها و هزاران فرد معترض نسبت به نتیجه‌ی انتخابات بودند. شهروندان، عملکرد کمیسیون را غیرمسئولانه خوانده و می‌گویند: نتیجه‌ی انتخابات شفاف نیست.

روی‌هم‌رفته، التهاب اجتماعی و سیاسی به‌وجودآمده بر سر نتیجه‌ی انتخابات، در زمانی که افغانستان به‌دلیل پروسه‌ی صلح روزهای سرنوشت‌ساز و حیاتی را پشت سر می‌گذارند، کشور را در لبه‌ی پرتگاه و فروپاشی قرار داده است. عملکرد مشکوک و غیرمسئولانه و خلاف قانون نهادهای انتخاباتی از یک‌طرف و سوءاستفاده‌ی رهبری حکومت از منابع عامه و صلاحیت‌های ریاست‌جمهوری در راستای رقابت‌های انتخاباتی از جانب دیگر، در کنار این که مردم را از انتخابات و دموکراسی ناامید و مأیوس ساخت، به‌پراکندگی سیاسی بیشتر از پیش دامن زد و آتش خشم و عصبیت قومی، جناحی و سمتی را در گوشه و کنار کشور روشن کرد. به همین دلیل در جریان روزهای اخیر، به‌صورت مستمر و علنی شعار تجزیه‌ی کشور را شنیده‌ایم و بوی انشقاق و تفرقه استشمام کرده‌ایم.

درست است، که تاریخ افغانستان با جنگ، پراکندگی، خون و خشونت گره خورده و مردم این سرزمین در درازای بیش از سده سال کم‌تر روی اتفاق، یک‌پارچگی، اتحاد، هم‌دلی، آرامش و آسایش دیده‌اند، اما کم پیش آمده، که چهره‌ی پراکندگی، دوری و انشقاق تا این حد عریان و همه‌گیر شده باشد. اکنون از چند ولایت شعار تجزیه بلند است و مردم با بدبینی و عصبیت کم‌سابقه خشم و انزجارشان را نسبت به آن‌چه در پیوند به پروسه‌ی انتخابات اتفاق افتاده، به‌نمایش گذاشته‌اند. وضعیتی که به‌مفهوم واقعی کلمه ناامیدکننده است و نشان می‌دهد، که عملکرد غیرمسئولانه‌ی نهادهای ملی و کارگزاران قدرت در این سرزمین تا چه اندازه احساس ملی‌گرایی شهروندان این سرزمین را آسیب زده است.

این در حالی است، که یکی از مهم‌ترین گام‌های عملی پروسه‌ی صلح افغانستان در حال عملی شدن است. از ساعت دوازده‌ی جمعه‌شب (۳ حوت)، گزینه‌ی «کاهش

نتیجه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری کشور به‌معنی واقعی کلمه به‌چالش کشیده شده است. در یک‌سو محمد اشرف غنی جشن پیروزی برگزار کرده و اعتبارنامه‌ی پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان را از کمیسیون مستقل انتخابات به‌دست آورده است. در جانب دیگر، عبدالله عبدالله نتیجه‌ی اعلام‌شده را تقلبی دانسته و گفته که دسته‌ی انتخاباتی ثبات و همگرایی برنده‌ی واقعی انتخابات است و او حکومت فراگیر و همه‌شمول را تشکیل می‌دهد. تعدادی از کاندیدان دیگر نیز وضعیت پیش‌آمده را غیرقابل قبول خوانده و نتیجه‌ی انتخابات را نپذیرفته‌اند. اکنون وضعیت کشور آشفته و ملتهب به‌نظر می‌رسد. بی‌ثباتی سیاسی به‌واج رسیده و دست‌آوردهای نوزده‌ساله‌ی اخیر در حال از دست‌رفتن است.

این در حالی است، که بسیاری از کشورهای منطقه و جهان با سکوت، احتیاط و نگرانی وضعیت جاری و پیش‌آمده در افغانستان را دنبال می‌کنند. به استثنای اتحادیه‌ی اروپا، هند، سریلانکا و کویت، کشورهای دیگر جهان نسبت به نتیجه‌ی نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان سکوت کرده‌اند. مایک پمپئو، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا گفته است، وضعیت پیش‌آمده بر سر نتیجه‌ی نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان را از نزدیک دنبال می‌کند. یوناما بدون تأیید اعلام نتیجه، خواهان جواب‌گویی به‌تشویش‌های معترضان شده است. کشورهای منطقه تا این دم خاموشی اختیار کرده و در پیوند به نتیجه‌ی اعلام‌شده از سوی کمیسیون انتخابات، اظهار نظر نکرده‌اند.

در بُعد داخلی، اعضای ارشد دسته‌ی انتخاباتی ثبات و همگرایی به رهبری عبدالله عبدالله در چند روز گذشته، با راه‌اندازی گردهمایی‌ها در کابل و ولایات دیگر کشور ضمن حمایت از موضع آقای عبدالله، عملکرد کمیسیون انتخابات را جانب‌دارانه و خلاف قانون خوانده و بر تشکیل حکومت فراگیر و همه‌شمول با اشتراک تمامی طرف‌های مطرح در کشور تأکید کرده‌اند. آقای عبدالله با صدور یک حکم، تمامی اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی را ممنوع‌الخروج کرده و با ارسال نامه‌ای به سفارت‌خانه‌ها و نهادهای بین‌المللی از آن‌ها خواسته است، که در مورد نتیجه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان بی‌طرفی‌شان را حفظ کنند. هم‌پیمانان انتخاباتی آقای عبدالله، محمد اشرف غنی را به انحصارگرایی و رفتارهای قومیت‌زده متهم کرده و حکومت فعلی را غیرملی می‌خوانند. در سوی دیگر، اعضای دسته‌ی انتخاباتی دولت‌ساز، طرف‌های دیگر به‌ویژه دسته‌ی ثبات و همگرایی را به رعایت نکردن قاعده‌ی بازی متهم کرده و

## «مسیر آینده افغانستان راه آسانی نیست»

«منتقدان می‌گویند، تلاش‌ها برای تحمیل دموکراسی سبک غربی در کشوری دچار اختلافات قومی مانند افغانستان که زیرساخت‌های اصلی - جاده، سیستم برق، شبکه‌ی آبیاری و نظام آموزشی عملی وجود ندارد، در مملکتی که درصد بزرگی از جمعیت آن بی‌سواد است و در طول بیست‌وپنج سال در آن فرهنگ کلاسیک حاکم بوده، محکوم به شکست است. سخنان این دسته از منتقدان ممکن است در نهایت درست از آب درآید، اما آزمون‌هایی که از اوایل ۲۰۰۲ به دنبال توافقات بن آغاز شد، توافقاتی که چارچوبی برای دولت موقت و انتقالی افغانستان و تدوین قانون اساسی به وجود آورد و براساس آن جدول زمانی برای انتخابات دموکراتیک تنظیم شد، آزمایشی است، که دموکراسی‌های غربی از این بابت مدیون مردم افغانستان هستند و این چیزی است، که باید هر فرصتی را برای دستیابی به موفقیت در اختیار این کشور قرار دهد. انتخابات صلح‌آمیز و توأم با موفقیت نهم اکتبر که در آن، حامد کرزی به ریاست جمهوری رسید، گواه این واقعیت است، که مردم افغانستان چنین آزمون‌هایی را از سر گذرانده‌اند.

مسیر آینده افغانستان راه آسانی نیست. مشکلات پیش روی رییس‌جمهور کرزی و دولتش بسیار است و راه حل سریع و ساده‌ای وجود ندارد. من یک تحلیل‌گر سیاسی نیستم و بنا ندارم در این‌جا چنین ژستی به خود بگیرم، اما دوست دارم به چند مسأله‌ی کلیدی که در مقابل دولت افغانستان قرار دارد اشاره کنم و این موضوع را که ایالات متحده‌ی آمریکا برای کمک به این کشور چه می‌تواند انجام دهد، مورد بررسی قرار دهم.

در طول تاریخ افغانستان، دولت‌های مرکزی در کابل ضعیف بوده‌اند و فقدان منابع مهم و معتبر مالی کار آن‌ها را با مشکل روبه‌رو کرده و مانع آن شده تا ارتش نیرومندی ایجاد شود، که قادر به اعمال قدرت نظامی در ولایات باشد. جدای از سنگ‌های قیمتی در مناطق تاجیک‌نشین شمال، تنها دو منبع مهم دیگر درآمد ملی وجود داشته است: مالیات بر واردات کالا از مرزها و جابه‌جایی کالا در شبکه‌ی جاده‌های داخلی و پولی که از طریق تجارت غیرقانونی مواد مخدر و قاچاق آن به دست می‌آید. رهبران نیرومند قبایلی در ولایات مرزی، به‌سادگی توانسته‌اند اغلب این درآمدها را غصب کنند.

میلیون‌ها دلاری که ظرف دهه‌ی ۱۹۸۰ وارد این کشور شد، صرف وضعیت را بدتر کرد، چرا که این پول‌ها در دست فرماندهان محلی و چهره‌های سیاسی قرار گرفت و به تقویت نفوذ آن‌ها منجر شد. تولید مواد مخدر در طول سال‌های جنگ ادامه و ظرف سه‌سال پس از سقوط طالبان به‌میزان چشم‌گیری افزایش یافت. رهبران محلی همیشه از قاچاق مواد مخدر، یا با دخالت مستقیم در این کار یا با وضع مالیات بر نقل و انتقال آن، نفع برده‌اند. این پول، جمعی از رهبران محلی را ثروت‌مند کرده و به آن‌ها امکان داده تا گروه‌های مسلح نیرومند خود را تأمین کنند. بدین ترتیب، دولت مرکزی در کابل همیشه وابسته به کمک دولت‌های خارجی و موسسات مالی بین‌المللی بوده و توانسته یک ارتش نیرومند ملی ایجاد و با توسل به آن خواست‌های خود را بر رهبران قدرت‌مند محلی تحمیل کند.

آقای کرزی و دولت موقت، پس از روی کار آمدنش در سال ۲۰۰۲، نیز با همین وضعیت روبه‌رو شدند. پس از کنفرانس توکیو در ژانویه‌ی سال ۲۰۰۲، امیدواری برای دریافت کمک‌های اقتصادی بیش‌تر شد. کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس، به‌رهبری آمریکا، وعده دادند که پنج میلیارد دلار کمک در عرصه‌ی کمک‌رسانی و بازسازی در اختیار افغانستان قرار دهند. این تعهدات کم‌تر جامعه‌ی عمل پوشید. آمریکا برای سال بعد تنها هفت‌صد و پنجاه هزار دلار فراهم کرد که بخش عمده‌ی آن را کمک‌های بشردوستانه تشکیل می‌داد تا مساعدت در عرصه‌ی بازسازی...»

منبع: مأموریت سقوط، گرسی سی شرون، ترجمه‌ی اسدالله شفاپی، مرکز مطالعات صلح و توسعه، چاپ سوم (پاییز ۱۳۹۳)، صص ۳۹۶-۳۹۴

## کاهش خشونت‌ها؛ آیا زمینه برای مذاکرات بین‌افغانی فراهم خواهد شد؟

امیرپناهیان



**گروه طالبان با شروع مرحله هفت روزه کاهش خشونت‌ها باید نشان بدهند که طرفدار ثبات سیاسی و از میان بردن خشونت‌ها در افغانستان هستند. اگر این گروه در مدت تعیین شده بتوانند پروسه مرحله کاهش خشونت‌ها را مدیریت نمایند، ایالات متحده آمریکا با جدیت تمام تلاش خواهد کرد که گفتگ‌ها را در سطوح و زوایای مختلف گسترش داده و پیرامون مذاکرات میان افغانان گام‌های جدی بردارد.**

جمعه هفته گذشته (۲حوت) طالبان در خبرنامه‌ای اعلان کردند، که رهبری این گروه تصمیم گرفته است تا مرحله کاهش خشونت‌ها را از ساعت ۱۲ شب به وقت کابل در سراسر افغانستان عملی نماید. در این خبرنامه آمده است که ملا هیبت الله رهبر این گروه به تمام مراکز نظامی و امنیتی دستور داده است، تا تحت هیچ شرایطی به اقدامات نظامی دست نزده و در صورتی می‌توانند عملیات نظامی انجام دهند که از رهبری ولایت شان هدایت دریافت نمایند، بر اساس متن ارایه شده از سوی گروه طالبان به رسانه‌ها، مرحله کاهش خشونت‌ها به‌صورت چشم‌گیر در افغانستان عملی خواهد شد و طی این مدت فرصت زمانی

برای امضای توافق نامه صلح و آغاز گفتگوها با حکومت افغانستان فراهم می‌گردد. وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای روز جمعه‌ی خویش، مرحله چشم‌گیر کاهش خشونت‌ها از سوی گروه طالبان، زمینه‌ساز مذاکرات بین‌افغانی و بحث روی آینده افغانستان خوانده است. هم‌چنین در این بیانیه تأکید شده است، که قرار است در ۱۰ ماه حوت توافق‌نامه صلح ایالات متحده با گروه طالبان امضا گردد؛ به گفته این بیانیه، مرحله کاهش خشونت، یک مرحله آزمایشی است تا گروه طالبان ثابت نمایند که به مذاکرات متعهد بوده و حاضر اند تا سطح خشونت‌ها را در افغانستان کاهش داده و زمینه را برای آتش بس عمومی فراهم نمایند. در همین حال، ارگ ریاست

جمهوری نیز با بیانیه‌ای از آغاز کاهش خشونت‌های چشم‌گیر از سوی گروه طالبان استقبال نموده و تأکید کرده است که دولت افغانستان آمادگی همه‌جانبه برای رهبری و مدیریت گفتگوهای بین‌افغانی را با گروه طالبان در هر سطحی دارد. در همین حال، مسعود اندرابی سرپرست وزارت داخله در گفتگو با رسانه‌ها تأکید کرد که نیروهای امنیتی کشور آمادگی‌های اساسی برای رهبری و مدیریت مرحله کاهش خشونت‌ها داشته و به تمام مراکز نظامی و پایگاه‌های امنیتی دستورات لازم ارسال گردیده است. او هم‌چنین تصریح کرد که در صورتی که طالبان در مدت هفت روز کاهش خشونت دست به اقدامات نظامی و عملیات تخریبی بزنند، نیروهای امنیتی آمادگی کامل برای دفاع از مردم ملکی و نیز جواب درخور توجه به آنان را دارند.

اما با این وجود آغاز مرحله کاهش خشونت‌ها از سوی شماری از چهره‌های سیاسی و احزاب مورد استقبال قرار گرفته است. تعدادی از سیاستمداران برجسته کشور و شماری از احزاب و جریان‌های سیاسی در پیام‌های جداگانه، مرحله کاهش خشونت‌ها را از سوی گروه طالبان، گام مهم برای رسیدن به ثبات سیاسی و صلح در کشور خواندند.

با این همه به‌نظر می‌رسد که هنوز راه دشوار آغاز گفتگوهای بین‌افغانی که می‌تواند مسیر سازنده و اجماع عمومی را پیرامون صلح دائمی در کشور فراهم سازد، باقی مانده است. گروه طالبان با شروع مرحله هفت روزه کاهش خشونت‌ها باید نشان بدهند که طرفدار ثبات سیاسی و از میان بردن خشونت‌ها در افغانستان هستند. اگر این گروه در مدت تعیین شده بتوانند پروسه مرحله کاهش خشونت‌ها را مدیریت نمایند، ایالات متحده آمریکا با جدیت تمام تلاش خواهد کرد که گفتگ‌ها را در سطوح و زوایای مختلف گسترش داده و پیرامون مذاکرات میان افغانان گام‌های جدی بردارد.

اگر گروه طالبان نتوانند، پروسه مرحله کاهش خشونت‌ها را به درستی مدیریت کند؛ رهبری ایالات متحده آمریکا و مردم افغانستان باور می‌کنند که طالبان از رهبری و مدیریت منسجم و واحد برخوردار نبوده و نمی‌توانند زمینه را برای گسترش مذاکرات و به ثمر رسیدن آن فراهم نمایند.

با آن‌هم به‌نظر می‌رسد که شروع مذاکرات بین‌افغانی کلید گم‌شده مردم افغانستان بوده و تقریباً اجماع عمومی پیرامون مذاکرات میان افغانان وجود دارد؛ از طرفی دیگر مرحله کاهش خشونت‌ها یک پروسه‌ی آزمایشی برای ثابت ساختن رهبری گروه طالبان در انجام تعهدات و نیز مدیریت یک دست آن‌ها بوده که در واقع تنها مسیری برای آغاز مذاکرات مردم افغانستان با گروه طالبان است، از این جهت مدیریت و دقت در مرحله کاهش خشونت‌ها تنها روزه‌ای برای مذاکرات بین‌افغانی بوده و لازم است در این مقطع زمانی تمام طرف‌های درگیر به آن توجه نمایند.

**اکثر قدرت‌مندان در کشورهای اسلامی در سراسر تاریخ به نام دین بر خلاف میل و خواست مردم، تداوم حکومت‌شان را داشته‌اند. استمرار چنین حکومت‌ها متکی بر حمایت‌های قشر روحانیت بوده است، که از درون دین اسلام اعتبار تیوریک داشته‌اند.**

سراسر تاریخ قرون وسطا شواهد غیرقابل اغماض این مسأله است. معرفی مفاهیم بنیادین دینی مانند خدا، زندگی بعد از مرگ، بهشت و دوزخ با نگرش‌های ستایش‌گرانه‌ی موروثی که قابلیت سهل‌یابی و هراس‌آور برای عامه‌ی مردم داشته باشد. انگاره‌های تیره و ترس‌زا و تحمیل‌گرانه‌ی رایج در قرون وسطا از مفاهیم خدا و ... نشانه‌های بارز است، که از دین به شکل سودگرانه استفاده می‌شود. دین به صاحبان قدرت مشروعیت می‌داد و خداوندان قدرت به گردانندگان دینی صلاحیت تعمیم برنامه‌های را اعطای نمود که به سود دو طرف معامله بود.

اسلام به‌عنوان کمال فرایند تاریخ دینی در زندگی انسان‌ها بیش از چهارده سده است، که وجود دارد. دین اسلام دقیقاً مانند سایر ادیان سعادتمند و امید دهنده است. دین اسلام از آغاز ظهور خویش چشم‌انداز زندگی انسانی را معرفی نمود و انسان‌های زیاد را به خود جلب نموده است. ارزش‌ها و مفاهیم بنیادین و اساسی در دین اسلام طوری معنا گردیده است، که سعادت پایدار برای انسان‌ها باز می‌تاباند. تلفیق ارزش‌های دینی با مدیریت جامعه و سیاست و یا واحد تعریف نمودن سیاست و

دینداری در جامعه اسلامی از پیام‌های دین اسلام است. دین اسلام به صورت کلی معنابخش تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها می‌باشد، اما در جریان تحولات این چهارده قرن، آیا این دین برای همه‌ی انسان‌ها فارغ از تفاوت‌های زیست‌محیطی، نژادی و صنفی در جامعه، مکتب، احترام و ثروت خلق نموده است؟ ناچار باید بپذیریم که از دین همانند سایر پدیده‌ها، عده‌ای در جامعه سودگرانه مستفید می‌گردند. نمونه‌های تاریخی فراوان وجود دارد، که دین در دسترس طبقه‌ی مشخص، استفاده‌ی نفع‌محورانه داشته است. منزلت قشری و تسلط صنفی به‌نام دین و با استفاده از هنجارهای تابوشده در جامعه‌ی اسلامی نمونه‌ی بارز است که در جریان تاریخ دینداری موجود است. دین برای روحانیت به‌عنوان اولیای



## دین و استفاده‌ی سودمحور...

امور دینی، نسبت به افراد و اقشار دیگر در جامعه بیشتر کارساز، رفاه‌آور و سوددهنده است.

اکثر قدرت‌مندان در کشورهای اسلامی در سراسر تاریخ به‌نام دین بر خلاف میل و خواست مردم، تداوم حکومت‌شان را داشته‌اند. استمرار چنین حکومت‌ها متکی بر حمایت‌های قشر روحانیت بوده است، که از درون دین اسلام اعتبار تیوریک داشته‌اند. فتاوی محقق‌بودن حکومت‌ها در سرکوب‌های بسیاری از مردم در برهه‌های تاریخی را مگر می‌توانیم از فصول تاریخ بزداییم؟ خونریزی‌های بی‌رحمانه و بی‌مهابا در طول و عرض تاریخ اسلام از طرف حریصان قدرت به نحوی ریشه در سوءاستفاده‌ی دینی دارد.

اندیشه، فرهنگ و اجتماع

دین و استفاده سودمحورانه

مهدی شیرزاد

انسان‌ها در طبیعت خویش خصلت سودگرایانه دارند. شواهد تاریخی وجود دارند، که انسان‌ها تلاش نموده‌اند که همه‌ی پدیده‌ها را در خدمت بگیرند. علم، تاریخ، فرهنگ و دین از عمده‌ترین ممکنات هستند که در خدمت موجودی به نام انسان قرار داشته‌اند. انسان‌ها تاریخ خلق نمودند تا در بستر تاریخی سیر تکامل خویش را تجربه نمایند. هویت و چارچوب‌های زیستی برای خویش به وجود آوردند و از آن در راه منفعت خویش مستفید شدند. در پی تغییر اکوسیستم برآمدند و طبیعت را به سود زندگی خویش مورد استفاده قرار دادند. برای درک گوشه‌های این عالم و عناصر طبیعت، علم را در اختیار گرفتند. روند علم برای تسلط انسان‌ها بر طبیعت رویکرد سودگرایانه بوده است. علم در خدمت انسان بوده و محیط زندگی را بهتر و با امکانات‌تر برای زندگی مهیا ساخته است. دین از کهن‌ترین پدیده‌ها است در تاریخ زیست انسان‌ها. دین به عنوان راه و رسم شناخت هستی و عالم، تأمین‌کننده‌ی رابطه‌ی معرفتی میان انسان و زندگی است. یا در حوزه‌ی خاص از اندیشه‌ی دینی، دین نظم تعریف‌شده‌ی فوق بشری است، که از سرچشمه‌ی ماورای طبیعت ناشی می‌گردد. دین سخنی قدیم و معنابخش با انسان داشته است. در جوامع ابتدایی، شواهد تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد، که انسان‌ها در قلمرو زندگی خویش نوعی از دین و دینداری را می‌شناخته‌اند. اندیشه‌ی دینی به‌شکلی در میان آنان رایج بوده و تعیین‌کننده‌ی روش و منش زندگی‌شان در جامعه بوده است. در تمدن‌های کهن بشری بین‌النهرین، مصر و دیگران نشانه‌های کامل از اندیشه‌های دینی و دین‌های منظم بر بنیاد خدایان چندگانه و یا واحد قابل مشاهده و تأمل است. ادیان همواره در میان جوامع انسانی از قدرت تعیین‌کننده‌ی برخوردار بوده است. دین به عنوان ثروت جمعی و روحیه اساسی و سعادت‌بخش نزد مردم دارای ارزش هویتی است.

در تمدن‌های دیگر انسانی که ادیان آسمانی در آن ظهور نموده‌اند، دین عنصر امیدبخش، هویت‌دهنده و تأثیرگذار بر تمامی بخش‌های زندگی انسان‌ها است. مصداق آن یهودیت، مسیحیت و اسلام می‌باشد. در تاریخ این سه دین وقتی با دقت کاوش شود، برخلاف تزیینات آنان، این موضوع به وضاحت دیده می‌شود؛ این که دین در خدمت تمامی انسان‌ها فارغ از رنگ، نژاد و نسب به صورت یکسان قرار نداشته، بلکه از طریق دین تلاش صورت گرفته است تا منافع صنفی بیشتر مورد عنایت باشد. از دین برای بسیج و انسجام توده‌های مردم و با قدرت تبدیل‌نمودن آن تحت رهبری طبقه‌ی خاص، شکل واضح این استفاده‌ی سودمحورانه است. بدون تردید ادیان در بستر تاریخی خود برای طبقه‌هایی در جوامع انسانی منفعت‌زا و رفاه‌آور است. در تاریخ یهودیت، دین حضرت موسی برای بنی اسرائیل نقش انسجام‌دهنده و هویت‌ساز داشته است اما در میان یهودیان این دین برای خاخام‌های یهودی و زرنگان جامعه‌ی یهود فراتر از نقش هویت‌ساز، قدرت‌آور و محور منفعت و جایگاه اجتماعی است. طبقه‌ای از یهودیان هستند، که با استفاده از این دین در طول تاریخ تمدن یهودیت توانسته‌اند، سکوی قدرت و حاکمیت را به دست آورده و تحفظ نمایند.

همچنان در تاریخ تمدن مسیحیت، دین مسیح نیروی تجمع‌بخش جامعه و خلق‌کننده‌ی چشم‌انداز امید در میان انسان‌ها در زندگی و حتی بعد از مرگ بوده است. یعنی دین مسیح در خدمت انسان‌ها بوده است و به صورت قطع هویت‌دهنده می‌باشد. برای حفظ آن باید جان فشان‌ها صورت گیرد. ارزش‌هایی بایست تعریف شود، که محوریت رجاء‌آمیز در میان انسان‌ها خلق نماید و یک مینود زندگی و الگوی یک رنگی را به وجود بیاورد، که جز هویت‌های اساسی مسیحیت به‌شمار آید. دین مسیحی با شاخص‌های مشخص به خدمت انسان‌های مسیحی‌مذهب قرار گرفت، ولی تفاوت‌های در نحوه‌ی به‌خدمت‌گرفتن دین در نزد مسیحیان فراوان است. برای طبقه‌ی روحانی در دین مسیحیت، دین نه تنها عنصر سعادت‌بخش دنیوی و اخروی است، بلکه دین راه رفاه زندگی است، دین کالای نایاب است، که با منت به مردم و توده‌های مردم عرضه می‌گردد. دین در نزد این طبقه وسیله‌ی مکتب، جایگاه و ارزش و قدرت است.

(ادامه در صفحه ۳)

# جنجال بر سر نتیجه‌ی انتخابات؛ آیا عبدالله شانس برای تشکیل حکومت همه‌شمول دارد؟

محمد نسیم نظری

سه‌شنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۲۹ دلو) کمیسیون مستقل انتخابات محمد اشرف غنی را با کسب ۹۲۳ هزار و ۵۹۲ رأی از مجموع یک میلیون و ۸۲۳ هزار و ۴۸ رأی (۵۰.۶۴ درصد کل آرا) برنده‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری اعلان نمود. عبدالله عبدالله، رئیس اجراییه و رهبر تیم ثبات و همگرایی با کسب ۷۲۰ هزار و ۸۴۱ رأی (۳۹.۵۲ درصد آرا) در جایگاه دوم قرار گرفته است.

حوا علم نورستانی، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان تأکید کرد، که کمیسیون مستقل انتخابات براساس معیارهای قانونی و طرزالعمل‌های موجود، آرای کاندیدان را محاسبه نموده و بر مبنای آن محمد اشرف غنی بیشترین آرا را کسب نموده و از طرف کمیسیون مستقل انتخابات پیروز انتخابات ششم میزان بوده و رئیس‌جمهور منتخب کشور است. ساعاتی پس از اعلان نتایج انتخابات از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، اشرف غنی نشستی را به منظور اعلان پیروزی در انتخابات و تقدیر از ستاد انتخاباتی‌اش در ارگ ریاست‌جمهوری برگزار کرد. در این نشست که شماری از چهره‌های مطرح سیاسی فعال در کابینه و تعدادی از نخبگان فرهنگی حضور داشتند، اشرف غنی خود را به صورت رسمی رئیس‌جمهور منتخب افغانستان عنوان نموده و از هوادارانش بابت انتخاب او در ششم میزان تقدیر و تشکر نمود. اشرف غنی تأکید کرد، که مردم افغانستان پیروز انتخابات بوده و او پیروزی جمهوری را بر استبداد و ظلم اجتماعی تبریک می‌گوید.

او تصریح کرد، که مردم افغانستان با رفتن به پای صندوق‌های رأی و با تحمل خطرات امنیتی توانستند جایگاه نظام مردم‌سالار و قانون اساسی کشور را حفظ نموده و به امارت «نه» بگویند. به باور آقای غنی در شرایطی که کشور در حال‌ه‌ای از ابهام بود و پروسه صلح با طالبان از جانب ایالات متحده‌ی امریکا جریان داشت، مردم توانستند به کاندیدای دلخواه‌شان رأی بدهند و در سرنوشت سیاسی کشور سهم شوند. او هم‌چنین از پروسه‌ی صلح و کاهش خشونت‌ها از سوی گروه طالبان استقبال نموده و تصریح کرد، که دولت منتخب با همکاری مردم در مورد پروسه‌ی صلح و ادامه‌ی مذاکرات با گروه طالبان تصمیم عملی و همه‌جانبه خواهند گرفت. او گفت: «قرار است، جامعه‌ی کثرت‌گرا و پر توان افغانستان، طالبان را جذب کند». اشرف غنی مذاکرات بین‌افغانی را با مدیریت و رهبری دولت و مردم افغانستان یگانه راه اساسی برای گفت‌وگو با طالبان خوانده و تأکید کرد، که دولت‌اش آماده‌ی هرگونه تلاش و زمینه‌سازی برای این مذاکرات در داخل افغانستان

است. او هم‌چنین از رقبای سیاسی‌اش خواست تا دست از نفاق برداشته و به وحدت ملی و اراده‌ی عمومی تمکین کنند.

در همین حال دو ساعت بعد از اعلان نتایج انتخابات از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، عبدالله عبدالله، رئیس اجراییه و از نامزدان پیش‌تاز انتخابات ششم میزان در یک نشست مطبوعاتی با جمعی از هوادارانش نتیجه‌ی انتخابات را تقلبی عنوان نموده و از ایجاد حکومت همه‌شمول خبر داد. او نتیجه‌ی اعلان‌شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات را دزدی انتخاباتی و کودتای بر علیه مردم‌سالاری خواند. به باور او نتایج تقلبی تنها گره از مشکلات افغانستان را باز نمی‌کند، بلکه زمینه را برای بحران‌های پیچیده‌تر دیگر فراهم می‌نماید. او هم‌چنین تصریح کرد، که تیم ثبات و همگرایی در مشوره با تمام طرف‌های سیاسی، حکومت همه‌شمول را ایجاد خواهد نمود. پس از اعلان حکومت همه‌شمول از سوی عبدالله عبدالله، هواداران او در برخی از ولایات کشور پیروزی او را جشن گرفتند. ساکنان ولایاتی چون جوزجان، سرپل، فاریاب، پنجشیر و برخی از ولایات دیگر با حضور در خیابان‌ها پیروزی تیم ثبات و همگرایی را جشن گرفته و از عبدالله عبدالله خواستند

**این در حالی است، که گزارش‌ها از رأی‌زنی دسته‌ی ثبات و همگرایی با رهبران سیاسی به‌منظور ایجاد کابینه‌ی همه‌شمول برای مدیریت کشور خبر می‌دهند.** روزهای پنج‌شنبه و جمعه‌ی هفته‌ی گذشته، رهبران سیاسی به شمول حامد کرزی، رئیس‌جمهوری پیشین و گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی در نشست‌های متعدد با عبدالله عبدالله در مورد فهرست کابینه‌ی احتمالی گفت‌وگو و رأی‌زنی نمودند. با این وجود به نظر می‌رسد، که طرح تشکیل حکومت همه‌شمول به رهبری عبدالله عبدالله، از حاشیه به متن می‌رود.

**این در حالی است، که گزارش‌ها از رأی‌زنی دسته‌ی ثبات و همگرایی با رهبران سیاسی به‌منظور ایجاد کابینه‌ی همه‌شمول برای مدیریت کشور خبر می‌دهند.** روزهای پنج‌شنبه و جمعه‌ی هفته‌ی گذشته، رهبران سیاسی به شمول حامد کرزی، رئیس‌جمهوری پیشین و گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی در نشست‌های متعدد با عبدالله عبدالله در مورد فهرست کابینه‌ی احتمالی گفت‌وگو و رأی‌زنی نمودند. با این وجود به نظر می‌رسد، که طرح تشکیل حکومت همه‌شمول به رهبری عبدالله عبدالله، از حاشیه به متن می‌رود.

تا هرچه زودتر، تشکیلات اداری و سیاسی‌اش را اعلان نماید.

پس از نزدیک به ۲۴ ساعت از اعلان نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری و پیروزی اشرف غنی، هیچ سفارت‌خانه‌ی در کابل نسبت به آن واکنش نداشتند. چهارشنبه‌شب جوزف بارل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا در پیام توئیتری پیروزی محمد اشرف غنی را تبریک گفته و تأکید کرد، که اتحادیه‌ی اروپا با حکومت آینده‌ی افغانستان همکاری خواهد نمود. پس از آن کشورهای هند، کویت و سریلانکا به ترتیب پیروزی محمد اشرف غنی را در انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان تبریک گفتند. اما سفارت امریکا با نشر اعلامیه‌ای خبر دادند که ایالات متحده‌ی امریکا تلاش دارد از نزدیک مطمئن شود، که روند انتخابات افغانستان شفاف و همه‌شمول بوده است. سفارت ایران تصریح کرد، که موضع مشخص در قبال انتخابات ندارند. سفارت روسیه در کابل اظهار نگرانی از وضعیت پیش‌آمده نمود. پس از همگانی‌شدن پیام تبریک مسوول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا به اشرف غنی، عبدالله عبدالله طی نامه‌ای عنوانی سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌های بین‌المللی در کابل، از آنان خواستند بی‌طرفی‌شان را در پیوند به انتخابات افغانستان حفظ کنند.

عبدالله عبدالله در سطح مناسبات داخلی توانسته است، چهره‌های با نفوذ و رهبران شناخته‌شده‌ی قومی را بر محوریت خود جمع کند. جنرال عبدالرشید دوستم، محمد محقق، منصور نادری، کریم خلیلی، صلاح‌الدین ربانی و انوارالحق احدی از چهره‌های شناخته‌شده‌ی هستند، که در جبهه‌ی انتخاباتی آقای عبدالله صف بسته‌اند. پیش‌بینی‌ها این است، هرگاه عبدالله عبدالله بتواند، هم‌سویی این چهره‌ها را با خود حفظ کند، در معادلات داخلی و در شکل حکومت آینده نقش اساسی خواهد داشت. معرفی ولیان جدید برای ولایات از سوی دسته‌ی انتخاباتی ثبات و همگرایی در شرایطی صورت گرفته است، که آقای عبدالله حمایت چهره‌های مطرح سیاسی و قومی را با خود دارد.

